

دین و نقش آن در تعلیم و تربیت

برزو مولایی پاردی^۱

قدرت الله سعیدی اصل^۲

رضوان سعیدی اصل^۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۰/۰۲ تاریخ چاپ: ۱۴۰۱/۱۱/۲۹

چکیده

هدف این مقاله بررسی دین اسلام و نقش آن در تعلیم و تربیت اسلامی می باشد از آن جا که موضوع تعلیم و تربیت و روشهای آن، مطلبی است که از دیرباز و زمانهای بسیار دور توجه بشر را به خود معطوف ساخته و در تمام عصرهای گوناگون زندگانی انسان از اهمیت والایی برخوردار بوده است که علاوه بر پیامبران الهی که رسالت و مسئولیت تعلیم و تربیت جوامع بشری را به عهده گرفته بودند، دانشمندان و اندیشمندان هر جامعه و ملتی همگام با آنان در این رهگذر می کوشیدند. در هر مکتب تربیتی دین به عنوان راهنمای اصلی تعلیم و تربیت نقشه راه اندیشمندان و مربیان تربیتی بوده که مبانی، اصول و روشهای تربیتی از آن استخراج می گردد؛ لذا در این مقاله به روش مطالعات کتابخانه ای دین اسلام و نقش آن در تعلیم و تربیت مورد مطالعه و بررسی قرار گرفت و این نتایج به دست آمد که: نقش دین در تربیت از اهمیت بسیاری برخوردار است و می توان از آن به عنوان طیب واقعی همه انسان ها یاد کرد، زیرا دین برنامه ای جامع است که توسط خداوند برای انسان ها فرستاده شده است، این در حالی است که خداوند از همه ابعاد انسان آگاه بوده و دین را برای بندگان خود مهم شمرده تا آنان را به راه راست هدایت کند.

واژگان کلیدی

دین، تعلیم، تربیت

۱ - دکتری تعلیم و تربیت اسلامی، فرهنگی و مدرس دانشگاه.

۲ - فرهنگی، کارشناسی ارشد ادبیات عرب.

۳ - نویسنده مسئول، کارشناسی علوم تربیتی.

مقدمه

سپاس فراوان آفریدگاری را سزااست که جهان هستی را همسان و هماهنگ با احتیاجات و نیازهای بشر سامان داده است و با تدبیر حکیمانه خود آن را پرورده است. تحیات و درود نامحدود بر والاترین معلم و مربی انسان یعنی پیامبر گرامی اسلام (ص) که با مدد وحی الهی و کتاب آسمانی بشریت را به صراحت مستقیم و رهنمودهای درخشان فرهنگ و تمدن آشنا ساخته است و همچنین بر امامان و پیشوایان راه حق که همواره اهتمام و عنایات خود را بر تعلیم و تربیت جامعه بشری مصروف داشته اند. موضوع تعلیم و تربیت و روشهای آن، مطلبی است که از دیرباز و زمانهای بسیار دور توجه بشر را به خود معطوف ساخته و در تمام عصرهای گوناگون زندگانی انسان از اهمیت والایی برخوردار بوده است. علاوه بر پیامبران الهی که رسالت و مسئولیت تعلیم و تربیت جوامع بشری را به عهده گرفته بودند، دانشمندان و اندیشمندان هر جامعه و ملتی همگام با آنان در این رهگذر می کوشیدند.

انسان موضوع و محور تربیت است و اصولاً فلسفه دلیل تربیت وجود انسان است و بدون انسان تربیت عبث است سر این مطلب نیز در تفاوت‌های انسان با دیگر موجودات نهفته است. خواجه نصیرالدین توسی به خوبی این مطلب را بیان نموده است: "هر موجودی را کمالی است و کمال بعضی موجودات در فطرت مقارن با وجود افتاده است (غیر انسان) و کمال بعضی از موجودات از وجود متأخر افتاده (انسان) و هرچه کمال او از وجود متأخر بود، هر آینه او حرکتی بود از نقصان به کمال." و حرکت از نقصان به کمال تمهیداتی را می طلبد که تربیت به آن می پردازد. موضوعیت انسان در تربیت عامل اصلی اختلاف نظرها در تعاریف تربیت است.

دین:

۱/۱- **معنی لغوی دین:** دانشمندان فقه الغه واژه دین و معانی مختلفی برای آن در آثار سه قوم یافته اند که هنوز علم به ما اجازه نمی دهد - از لحاظ تقدم و تأخر - بعضی از آنها را مأخوذ از بعضی دیگر بدانیم:

۱- در زبان **آرامی** که قومی بودند از نژاد سامی و ساکن شمال بین النهرین و سرحد سوریه و معاصر با هخامنشیان. در آثار این قوم واژه دین به معنی "حکم و قضا" موجود است.

۲- در زبان **قومی** که اجداد عرب فعلی محسوب اند، لفظ دین به معنی رسم و عادت دیده می شود.

۳- در زبان **اوستایی** ایران، دین به معنی شریعت و مذهب وجود دارد که پیروان این دین خود را بهدینان می خوانند. کلمه دین از نظر ایتمولوژی به این شرح است:

اصل و ریشه دین، (دت) و به معنی آغاز می باشد و دیدن از مشتقات آن است؛ و ایده به معنی عقیده و اندیشه با اعتبار و مبدأ اعمال انسان و دیو به معنی خدا در زبان فرانسه به اعتبار مبدأ موجودات و اندیشیدن به معنای شروع به فکر در زبان فارسی و عادت (آد) در زبان عربی و نیز ابتدا به معنی از سر گرفتن، به حدس قوی از مشتقات همین کلمه می باشند؛ و چون متعلق اندیشیدن انسان، در ابتدا رسم عادت بوده، دین طبق زبان اجداد عرب به همان معنی و سپس مطابق لغت

آرامی به معنی حکم و قضا آمده است پس از طی مراحل و گذشتن هزارها سال، کلمه دین به معنی مذهب و شریعت، طبق لغت اوستایی به کار رفته است.^۱

در قاموس فرهنگهای عربی، دین و مشتقات آن به مفاهیم مختلفی از قبیل اعتقاد، قهر، حکم و داوری، سیاست و تدبیر، محاسبه، خلق و عادت، مجازات، طاعت، خضوع و جزء آنها معنی شده است که همه آنها با مفهوم دیانت در محاورات و مکالمات امروزی ما مترادف می باشد.

در قرآن نیز دین به معنی شریعت و آیین و جزاء حسابو جزء آنها بکار رفته است. «مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ»^۱

۲/۱- **تعریف اصطلاحی دین:** دین از نظر عده ای جز تشکیلات ظاهری و انتظامات چیز دیگری نیست. گروهی می گویند دین یعنی اخبار و احادیث مقررات و قوانین و عده ای را نیز عقیده بر آن است که دین عبارت است از مجموعه ای از عقاید و عبادات و مقررات و امثال آنها می باشد. باید گفت که در واقع میان این تعریفها برای دین تضادی وجود ندارد و هر گروهی جهتی از جهات متعدد و متنوع دین را مورد نظر قرار داد و دین را به همان جهت تعریف کرده است؛ و یا آنکه دین را طبق روح و زمان یا برحسب اختلاف درجه فکر و استعداد و آگاهی خود، متفاوت معنی کرده اند. ماکس مولر می گوید: دین نتیجه قوه خاصی است که نامتناهی است.

جاستروا: دین مرکب از سه چیز است: ۱- اعتراف به قدرت یا قدرتهایی که در حیطه اختیار ما نیستند. ۲- ادراک مقهوریت نسبت به این قدرت یا قدرتها ۳- درخواست ارتباط با این قدرت ها
از این سه جزء به این نتیجه می رسیم که دین به معنی اعتقاد به یک یا چند قوه مفارق از ما و مسلط بر ما که لازمه آن نیز سه چیز است: ۱- تشکیلات و قوانین معین

۲- اعمال مخصوص

۳- نظامات خاصی که ما را به این قوه مربوط می سازد.

*نیاز بشر به دین و ایمان در تعلیم و تربیت:

در قرآن کریم کرارایمابر اسلام به عنوان معلم و مربی بشر معرفی شده است، چنانکه می گوید: "هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَانْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ"^۱

اوست آنکه برانگیخت در میان امی ها، پیامبری را از آنها که می خواند بر ایشان آیات خدا را و تزکیه می کند آنها را و تعلیم می دهد ایشان را کتاب و حکمت و به درستی که پیش از بعثت در گمراهی آشکار بودند.

اصولاً عالی ترین هدف ادیان آسمانی تعلیم و تربیت بشر یعنی تهذیب نفس و تعدیل تمایلات و غرائز و بالا بردن روح و عقل بشر به عالی ترین سطح کمالات او بوده است. دین نیرومندترین عامل و انگیزه ای است که می خواهد بشر را معتقد به قضا و داوری روز قیامت و حساب و کیفر و پاداش روز واپسین، تربیت کرده و افرادی را پرورش دهد تا خویشان را در همه احوال محاکمه نموده و خود را قاضی و حاکم و شاهد بر اعمال و اقوال خود قرار داده و ضمیر و

وجدان خود را مراقب و نگهبان رفتار خود بداند. پیش از آنکه در پیشگاه عدل الهی - که هیچ امری بر وی پوشیده نیست - حاضر گردد؛ به عبارت دیگر هدف دین تربیت افراد متدین است. متدین کسی است که معنی و حقیقت دین را درک کرده و تعالیم دینی راهنمای او در زندگی باشد و دین می خواهد که شخص دارای وجدانی زنده و حساس و قلب و درونی بیدار و اثرپذیر بوده و خویشتن را رهین اعمال خود بداند: «كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ رَهِينَةٌ» هر کس در گرو چیزی است که خود فراهم کرده است. (سوره عنکبوت آیه ۴۵).

نیرومند ترین عاملی که می تواند هر گونه اضطراب و نابسامانی درون انسان را به آرامش و اطمینان مبدل ساز، مناجات با خداوند و ذکر پروردگار است.

ما این حقیقت را در آیه: «اتل ما اوحی الیک من الکتاب و اقم الصلوة تنهی عنالفحشاء و المنکر و لذكر الله اکبر و الله یعلم تضنعون» «الذین آمنوو تطمئن قلوبهم بذكر الله الا بذكر الله تطمئن القلوب» (سوره رعد آیه ۲۸).

باری، نیاز بشر به دین، مسئله ای است که برای همه مسلم و آشکار است و این حقیقت و نکته منحصر و محدود به عصر و دوره خاصی نیست بلکه بشر در تمام عصرها این احتیاج را به سادگی احساس می کرده و در هر دوره ای اعم از دوره بربریت و تمدن چنین احساسی را داشته و دارد. ضرورت دین در عصر ما لازمترین ضروریات زندگانی بشر است. تنها عامل دین و ایمان است که می تواند انسانیت انسان را حفظ کرده و بشریت را از سقوط و انحطاط نگه دارد حتی ضرورت دین و ایمان در عصر ما بیش از هر عصر دیگری احساس می شود؛ زیرا در عصر ما - که بشر به پیشرفتهای شگرفیدر مسائل مادی نائل آمده است - موقف انسان در شکاف هسته اتمی قرار گرفته است، بدیهی است که در چنین دوره ای شایسته است بشر به نیروی دین و ایمان متکی باشد. ۳

بشر در هر عصری به دین نیازمند است:

یکی از نکاتی که قرآن در این مورد بدان اشاره کرده است آیه: «فاق و جهک للدين حنیفا فطره الله التي فطر الناس علیها لا تبدل لخلق الله ذلک الدین القیم ولكن اکثر الناس لا یعلمون» (سوره روم آیه ۳۰) است. خداوند در این آیه یادآوری می کند: دین هماهنگ با فطرت و طبیعت انسانی است؛ و بنابراین همیشه به صورت یک احتیاج قطعی و ضروری بشر خودنمایی می کند. یکی از دانشمندان غرب به نام «ذویمه» می گوید: «دین بهترین راهنمای زندگی و بهترین ناصح در روزهای خوشی و بهترین تسلی دهنده در روزگار بدبختی است.» و نیز «فوئر باخ» می گوید: «دین در هر شکلی تظاهر کند، همیشه یک احتیاج روحی و معنوی بشر است.»

تربیت:

«تربیت عبارت است از فراهم کردن زمینه ها و عوامل برای به فعلیت رساندن و شکوفا نمودن استعدادهای انسان در جهت مطلوب.»

تعریف فوق حاکی از این مطلب است که انسان دارای استعداد های نهفته ای است که تا تربیت صحیح نباشد این استعدادها مورد بهره برداری قرار نمی گیرد. پیامبر گرامی اسلام (ص) فرمود: «الناس معادن کمعادن الذهب و الفضه» مردم معدن هایی هستند همچون معدن طلا و نقره؛ و تربیت صحیح است که می تواند این معادن گران قیمت را مورد بهره برداری قرار دهد و استعدادهای نهفته انسان را شکوفا سازد.

واژه تربیت از ریشه «ربو» و به معنی افزایش و نمو است.

***واژه تربیت:** برآوردن، پروردن، پروراندن.

تربیت در لغت به معنی بشو و نما دادن، زیاد کردن، برکشیدن، مرغوب یا قیمتی ساختن است. از تعریف لغوی تربیت که بگذریم مفاهیم و دیدگاههای مختلفی در مورد تربیت وجود دارد که به نمونه هایی از تعاریف آنها اشاره می شود. الف) برخی تربیت را یک امری برونی می دانند یعنی معتقدند تربیت عمل بزرگترها یا نسل کم سالان یا نسل آینده است. از نظر آنها تربیت کوشش هایی است که بزرگان اجتماع در جهت بارور کردن و رشد دادن اندیشه و تهذیب اخلاق نسل آینده به کار می برند... (ماهانامه تربیت سال هشتم)

ب) گروهی دیگر از تعاریف تربیت، ناظر بر فرایند رشد در زمینه های مختلف با توجه بیشتر به فرد است که از نظر این گروه رشد را اساسی ترین جریان زندگی فرد تلقی کرده است که تربیت عبارتست از حرکت دادن بشری از ابتدا واز نقص به منتهای کمال...

ج) گروهی دیگر تعاریف تربیت را بیانگر نوعی فعلیت یافتن استعداد و قوای فرد می دانند که به اعتقاد شهید مطهری تربیت به فعلیت در آوردن استعدادهای درونی که در شی هست می باشد.

د) پاره ای دیگر که تعاریف تربیت را می توان از دیدگاه اینان تعاریفی نامید که رنگ مذهب به خود گرفته اند و در واقع تعاریف مذهبی و اسلامی از تربیت می باشند که در این تعاریف به جایگاه انسان در خلقت و مسئولیت او توجه ویژه شده است. کانت می گوید: آدمی برخلاف سایر جانوران فقط بوسیله همنوعان رشید خود تربیت می شود. اگر چنانچه در مورد حیوانات اتفاق می افتد موجوداتی با طبیعت برتر از انسان تربیت آدمیزادگان را به عهده می گرفتند در آن حال احتمالا از امکانات رشد کامل آدمی آگاه می شدیم.

تربیت مذهبی، تربیتی است از جانب کسی که علم مطلق به انسان و خصوصیاتش دارد و قرآن به آنها اشاره نموده است. تربیتی که نمونه های عملی و پیاده شده آن الگوهای نمونه بشریتند. الگوهای جاودانه ای که دور نمای حیرت آوری از آنچه انسان می تواند بشنود ارائه می دهند. کل اسلام یک مکتب پرورشی تربیتی است، با ویژگی ها، اهداف و روشهای تربیتی معین، با احترام نسبت به علم و تحقیقات و با آمادگی برای پذیرش هر نظریه تربیتی منطقی.

در نظام تربیتی اسلام، فلسفه تربیت انسان در موازنه با وضع جامعه تعیین نمی شود؛ زیرا این یک وضعیت اعتباری و قراردادی است، بلکه در اسلام این موارد براساس حقایق مطلق و نه اعتباری و نسبی تعیین می شود. در این نظام انسان موجودی فعال است که دارای اراده و اختیار می باشد. این انسان نه آنگونه تهی و منفعل است که بتوان هر بلایی بر

سرش آورد و هر طوری خواسته شد رنگش نمود و نه آنگونه تعیین شده و پیش ساخته است که نتوان به ترکیب آن دست زد. او در چهارچوب و رشد و بلوغ و تکامل خویش، نیازمند به شرایط و نیز خصوصیات خود انسان است. اکنون نمونه هایی از تعاریف این گروه را از نظر می گذاریم.

۱- تربیت جریانی است و آن جریان را سرچشمه ای است خدا گشاده و مسیری است بسوی الله و بستر عبور آن جریان همه وجود آدم و آنچه در این جریان اصل است. حرکت مایه درونی است (نفس) نه نمودهای بیرونی (رفتار)

۲- تربیت یعنی شناخت خداوند به عنوان رب یگانه انسان و جهان و برگزیدن او به عنوان رب خویش و تن دادن به ربوبیت او و تن زدن از ربوبیت غیر.

۳- تربیت هدایت به راه حق و کمال هدایت به صراط مستقیم است.

در این تعاریف فعالیت و دخالت انسان در تربیت خویش محوریت دارد.

این تعاریف ناظر بر پیمودن مسیری است که از جانب خداوند و معصومین تبیین گردیده است و نهایت آن بندگی خداوند است. ۱.

ضرورت تعلیم و تربیت:

شاید کمتر کسی باشد که درباره لزوم تعلیم و تربیت شک کند، زیر با اندکی تفکر روشن می شود که «انسان شدند» انسان مرهون و مدیون اقدام های تعلیمی و تربیتی _ چه از طرف خود (خودسازی) و چه از طرف پرورشکاران او _ می باشد. افلاطون می گوید: در اثر تربیت، جسم و روح انسان به بلندترین پایه جمال و کمال می رسد؛ بنابراین عالی تر و مقدس تر از تربیت، فنی نیست. ۱.

تعلیم و تربیت بویژه تعلیم و تربیت دینی می تواند ارتباط آفریده با آفریدگار را مستحکم تر نماید و او را به پذیرش تعهد و قبول مسئولیت وادارد. اساساً انگیزه بعثت انبیاء، امامت معصومین (ع) و ولایت فقها و نیز برهمین هدف استوار است. تعلیم و تربیت می تواند به رشد و ارتقاء جسمانی و روحانی انسان مدد نماید و نیازهای فردی، اجتماعی، اقتصادی و ... انسان را تأمین کند. اساساً باید دانست که تمام امور زندگی بشر چه در حال فردی و چه اجتماعی بطور مستقیم یا غیر مستقیم با امر تعلیم و تربیت ارتباط دارد، زیرا انسان موجودی صاحب اختیار و دارای اراده آزاد است و این اداره بر اختیار تحت تأثیر حالات درونی و گرایشات روحی اوست و لذا انسان به هر صحنه ای که وارد شود اعم از اقتصاد و سیاست و هنر و ... عنان اختیار او در آن صحنه در دست همان امیال و گرایشات خواهد بود.

حال اگر این امیال و کشش های درونی در اثر تعلیم و تربیت صحیح به مسیر درست و اصولی خود هدایت شود می توان امید داشت که انسان در صحنه های گوناگون مطابق حق و به روش صحیح عمل خواهد کرد والا اگر اراده او تنها تحت تأثیر امیال و خواهش های نفسانی باشد و هیچ عامل تربیتی آن را کنترل و هدایت نکند، مسلماً عملکرد انسانی خالی از خطا و اشتباه نخواهد بود.

اهمیت «تربیت» از نظر پیشوایان اسلام:

پیشوایان گرامی اسلام (ع) از همان ابتدا مساله «تربیت و هدایت» مردم را در رأس برنامه های خود قرار می دادند. شیخ صدوق (علیه الرحمه) در کتاب شریف «توحید» و «خصال» نقل می کند: در جنگ جمل، عربی از میان لشکریان برخاسته و عرض کرد: یا علی آیا اعتقاد شما بر این است که خدا یکی است؟ اصحاب حضرت از این سوال، در این موقع حساس جنگی تعجب کردند و گفتند: مگر نمی بینی امام (ع) در این جبهه با چه مسائلی مواجه است؟ حضرت علی (ع) فرمود: بگذارید جواب سوال خود بگیرد و نسبت به خدای خود معرفتی حاصل کند زیرا او همان را می خواهد که ما آن از دشمن خود (در این جنگ) می خواهیم، ما از همه این جنگ ها تربیت و بیداری مردم را دنبال می کنیم و مبارزه و جنگ اصالت ندارد و نمی تواند هدف باشد. سپس حضرت با کمال خونسردی، در میانه کارزار مساله توحید را آنچنان برای او شرح داد تا وی کاملاً قانع شد؛ بنابراین در اهمیت تعلیم و تربیت همین بس که پیشوایان ما در همه مراحل حتی در سخت ترین برخوردهای صحنه خونین جنگ لحظه ای از آن غافل نبودند، چنانکه خطبه های امیرالمومنین (ع) و امام حسین (ع) در میان جنگ و آثار درخشان تربیتی آنها همه حاکی از این مطلب است.

*اقسام تربیت:

۱ - تربیت بدنی یا جسمانی: اگر جسم زنده، پر تحرک و شاد باشد سایر ابعاد از آن تبعیت می کنند و نقش اساسی در فرایند تربیت دارد و در حقیقت بزرگترین تکیه گاه انسان در هر موقعیت نیروی جسمی اوست، زیرا تأثیر آن سریع و بدون خطاست، پس جسم سالم از اهرم های تغییرات عاطفی، عقلانی و... است عواملی که در سلامت جسمانی می تواند نقش داشته باشد، ایمان، اعتقاد، ورزش، تغذیه مناسب و ... می باشد.

«جان لاک» در رساله ای تحت عنوان مفاهیم انسانی معتقد است که: بدن را با باید قوی و نیرومند نگهداشت تا بتواند دستورات و فرمایشات مغز را به خوبی عمل کند، او اعتقاد به عقل سالم در بدن سالم داشت. او می گفت که این دو را داشته باشد، دیگر نباید چیزی آرزو کند و کسی که فقط صاحب یکی از آن دو باشد ناقص است زیرا کسی که مغز خوب کار نکند هرگز راه صحیح را انتخاب نخواهد کرد و شخصی که بدنی یهوده و تنبل داشته باشد، هرگز قادر نخواهد بود آن را به پیش برد.

۲ - تربیت عقلانی: تربیت اخلاقی انسان را از ذلت نگاه می دارد. پایه و اساس جهان ماوراء طبیعت و عالم روحانیت است. از طریق تربیت عقلانی است که انسان می تواند حق را از باطل جدا کند و طاعت را از معصیت امتیاز دهد. عقل در وجود انسان از ابتدای خلقت پدیدار شد و به انواع اشکال نمایان شد و اگر تربیت شود انسان را و می دارد که چراغ دیگری نباید راهگشای انسان شود. تربیت عقلانی انسان را به عقل معاد که محل آن دل است متبلور می کند که داری ساختمان حیرت آوری است و فعل و انفعالات عجیبی از آن سرچشمه می گیرد و در حیات آدمی هم نقش اساسی دارد؛ مانند ادراک حسی، تشکیل مفهوم، فهم نظریات مختلف، مقایسه و پیش بینی و ارزیابی امور، نیروی تخیل، قدرت ابتکار

و نوآوری، شیوه اساسی برخورد با امور مختلف در زندگی، نگرش اساسی در زمینه های مختلف، برخورداری از فکر منطقی و ...

اساس دین عبارت از معرفت حق تعالی است و اینگونه معرفتها احساسهای عمیقی میان هستی و انسان دارد که با اداره و براساس عقل و عاطفه حاصل می شود. پس تامل و تفکر و تعقل در درون هستی فرد و در عمق ژرفای قوانین و مسببات حیات راه درست زندگی کردن را به انسان می آموزد و به او یادآور می شود که زندگی همچون رودخانه ای است که همه در آن در حال شنا هستند و سرانجام نیز واگر انسان در فرآیند

تربیت قرار گیرد و توانی الهی و قدرتی متصل به «کل شی هالک الا وجهه» پس با تعقل و تفکر زنده هستیم؛ زیرا دیر یا زود انسان متوجه می شود که تفکر و عقل است که اراده و آزادی می آورد و اینها جز قدرت های روح هستند. اهمیت انسان در مقایسه با حیوانات مربوط به تفکر و تعقل او است.^۱

۳- تربیت اخلاقی: وقتی افراد یک جامعه _ از نظر جسم و روح و عقل - سالم باشند، آن جامعه متری و از انحراف مصون خواهد بود. وظیفه تربیت این است که سلامتی روانی افراد را حفظ نموده و وجدان آنها را برای آنها دارای احساسو شعور دقیق و رقیق کردند- تغذیه کند و میان فرد و محیط هماهنگی و تناسب ایجاد نماید و پدیده های مختلف طبیعت را تفسیر نموده و بشر از آب و خاک و گیاه و حیوان و پدیده های مختلف دیگر بهره برداری کرده و همه آنها را به نفع و مصلحت خود و اجتماع تسخیر نماید. همچنین تربیت می خواهد فرد را طوری پرورش دهد که بتواند خود را در اجتماع منسجم ساخته و در میان افراد جامعه - که خود نیز یکی از آنهاست - کامیاب گردد تا در پیشرفت جامعه سهم بوده و نیرویی باشد که به ضمیمه نیروهای دیگر جامعه را به منتهای ترقی و کمال برساند. ضرورت تربیت برای فرد کمتر از ضرورت غذا برای جسم نیست؛ همان طوری که حفظ و بقاء حیات انسان به غذا و خوراک بستگی دارد، همین گونه تربیت نیز ضامن نوعی از حیات و زندگی است و زندگی بارور و سالمی را برای انسان فراهم می سازد. تربیت معنوی و اخلاقی به انسان امید و شهادت می بخشد و هیجان و اضطراب را دور می سازد و برای زندگی مسیر و هدفی تعیین می کند و سعادت و سلامت پایدار بوجود می آورد و به انسان کمک می کند تا در میان طوفان و گردباد حیات واحه آرام و و مساکتی برای خود ایجاد نماید.

*تعلیم: تعلیم عبارتست از فراهم آوردن زمینه ها و عوامل برای اینکه متعلم دانشی را واجد شود.

تعلیم فقط اختصاص به موجودی دارد که دارای درک و شعور باشد و بتواند علمی را فرا گیرد در حالی که تربیت در مورد موجودات بدون شعوری که قابلیت رشد دارند نیز صادق است. باغبان درخت را تربیت می کند یعنی مقدماتی را فراهم می آورد تا درخت قابلیت های بلقوه خود را فعلیت بخشد. بدین ترتیب قلمرو و محدوده ی تربیت وسیع و گسترده تر از تعلیم است. نکته ی دیگر این است که تعلیم جنبه ی ذهنی دارد ولی تربیت جنبه ی عملی دارد.

*اهمیت تعلیم از دیدگاه معصومین (ع):

پیرامون اهمیت تعلیم در سیره معصومین (ع) و فرمایشات ایشان مطالب فراوانی جلب نظر می کند که در این مختصر به ذکر چند نمونه از آنها اکتفا می کنیم. ذکر همین خلاصه حاکی از جایگاه رفیع تعلیم از دیدگاه اسلام است.

رسول گرامی اسلام (ص) در اهمیت «تعلیم» می فرماید: هیچ صدقه و بخششی از لحاظ میزان پاداش و بازده معنوی نمی تواند بانشر و تعلیم علم برابری کند.

همچنین فرمود: هرگونه هدیه و ارمغانی که یک فرد مسلمان به برادر دینی خود اهداء می کند برتر و بالاتر از سخت حکمت آمیز نیست، سخنی که خداوند - از رهگذر آن - بر مراتب هدایت آن برادر ایمانی افزوده و از ابتذال و فرومایگی شخصیت او جلوگیری می کند.

امام صادق (ع) فرمود: اگر کسی راه و رسم خیر و نیکی را به شخصی تعلیم دهد هموزن پاداش کار نیک او اجر و پاداشی عاید وی می گردد.

(یکی) از حاضران مجلس امام صادق (ع) که روای این سخن نیز می باشد از آن حضرت پرسید: حتی اگر رهنمون فرد دومی به خیر و نیکی باشد بازهم از چنین پاداشی بهره مند می شود؟ حضرت در پاسخ فرمود: فرد دوم که سهل است اگر او همه مردم عالم را به خیر و نیکی رهبری کند همانند و برابر اجر و مزد کار خیر آنان، اجر و پاداشی نصیب چنین معلم و راهگشای خیر و نیکی می شود) راوی می گوید: پرسیدم اگر از دنیا برود همین پاداش برای او منظور می شود؟ فرمود آری اگر از چه از دنیا برود. ۱

ویژگیهای تربیت و تعلیم اسلامی:

۱- در تربیت اسلامی، هر مسلمان مسئول تزکیه و اصلاح خویش است.

قرآن کریم می فرماید: «علیکم انفسکم لا یضرکم من ضل اذا اهدیتکم» ۳

«ایمان خود را نگه دارید که اگر همه گمراه شوند و شما به راه هدایت باشید زیانی از کفر آنها به شما نخواهد رسید.»

خداوند برای انسان میزان های معینی را معلوم نموده است تا بر طبق آنها رفتار کند و از حدود آنها تجاوز ننماید و از او خواسته شده است که بر صراط مستقیم گام نهد و از خود مواظبت کند که به راه های انحرافی در نغلتد و به انسان اعلام شده است که ارتکاب خطا موجب عقب ماندگی و کیفر است. میزان های صحیح رفتار از طریق وحی توسط انبیاء تعیین و اعلام شده است و برای هرگونه رفتار از خرد و کلان، جزئی و کلی، در رابطه با خود و دیگران و در ارتباط با جهان هستی و خالق عالم میزانی مشخص کرده اند و صحیح را از غلط و صواب را از خطا باز شناسانده اند؛ و قرآن کریم بیانگر هر چیز و هر امر است و از آنچه موجب رشد و تعالی انسان است به تفضیل سخن آورده و از این همه تحلیل و تفسیر امور به توسط انبیاء و کتاب آسمانی را حجتی از بیرون وجود انسان شمرده اند.

در درون انسان ابزار شناساگر قرار داده است تا بوسیله آنها حق را از باطل متمایز کند. این ابزار مشتمل بر اندام های حسی و اداراکات و منطق و عقل است که معارف لازم را به توسط آنها می توان کسب کرد. ۲- در تربیت اسلامی هر

مسلمان مسئول هدایت و حفاظت از دیگران است. خداوند می فرماید: «و من احسن قولاً ممن دعا الی الله و عمل صالحاً و قال اننی من المسلمین» (سوره فجر آیه ۱۴).

«کدامین گوینده نیکوتر از آن کس است که خلق را بسوی خدا بخواند و بگوید من از تسلیم شدگان به خدا هستم.» هر مسلمان وظیفه دارد دیگران را به سوی خدا دعوت کند، آنان را به احکام اسلام اصول و فروع دین آشنا نماید و بر دانش و بینش هموعان بیفزاید و راه صحیح از غلط را بدانان بشناسد تا از انحراف مصون بمانند. همچنین پیامبر خدا فرمود: «کلکم راع و کلکم مسوول عن رعیت»^۲ «همه شما رعایت کننده و مسئول رعیت خود هستید.» به این نتیجه می رسیم که علاوه بر اینکه هر مسلمان مسئول حفاظت خویشان است. مسئول حفاظت دیگران از انحراف و زیان و مأمور هدایت دیگران به صراط مستقیم نیز هست و مومن برای اینکه نقش خلیفه الهی را به نحو مطلوب ایفا کند نمی تواند در برابر هرگونه اعمال و افعال خلافی که دیگران انجام می دهند ساکت و بی تفاوت بماند.

۳- تربیت اسلامی در صدد آن است که مسلمان خدا را باخود و بر جز جز رفتارش محیط و ناظر بداند. یکی از تفاوت های بارز نظام تربیت اسلامی با نظام های دیگر تربیتی در این است که در نظام های دیگر هیچ گونه نظارتی خارج از وجود انسان مطرح نبوده و شخص جز خود و وجدان خود ناظری در کارش احساس نمی کند، طبیعی است که اگر انسان هیچ ناظری جز خود نداشته باشد با خود کنار آمدن و بسیاری از خلاف ها را نادیده انگاشتن کار آسانی خواهد بود؛ اما در نظام تربیتی اسلام در عین حالیکه وجدان و نفس لوازمه برای خود اصالت و ارزش داشته و موجودیت و اهمیت آن نفی نمی شود هر مسلمانی علاوه بر وجدان خود، خالق وجدان ها و بلکه خالق تمام اشیاء و کائنات را بر کارهای خود ناظر می بیند. «ان ربک لبالمرصاد»^۱

۴- تربیت اسلامی در همان حال که توصیه به تأمین دنیا دارد حیات اخروی را برتر و جاودانه معرفی می کند. «والاخره خیر و ابقى» زندگی اخروی بسی بهتر و جاودانه است. (-سوره اعلی آیه ۱۷).

در قرآن به بهره مندی از دنیا بر طبق موازین و مقرراتی توصیه شده و دنیا مردود نیست. در اسلام ترک دنیا و انزوا و پوچ گرایی معنا ندارد. هر آنچه را که خداوند حلال کرده است و استفاده از آن لذات را مشروع دانسته کسی نمی تواند حرام کند، اگر کسی حلالی را حرام کند خلاف اسلام عمل کرده است. میان بهره مندی از دنیا و تمتعات آخرت که در آینده خواهد بود موازنه ای باید برقرار نمود.

نتیجه گیری

هیچ عامل برای یک انسان تربیت شده نیرومندتر از آن نیست که بداند همه حرکات او، تحت نظاره خداوند است و هرکاری که می کند و سخنی که می گوید و اندیشه ای که در ذهنش به جریان می افتد، ثبت و ضبط شده، سرنوشت آینده ابدی او را تشکیل می دهد. او دائماً در حال سبک شدن و رهایی از موقعیت پیشین و جهش به موقعیت بعد که کامل تر و ظریف تر و دارای ابعاد سازنده بیشتری می باشد است. نقش دین در تربیت از اهمیت بسیاری برخوردار است

و می توان از آن به عنوان طبیب واقعی همه انسان ها یاد کرد، زیرا دین برنامه ای جامع است که توسط خداوند برای انسان ها فرستاده شده است، این در حالی است که خداوند از همه ابعاد انسان آگاه بوده و دین را برای بندگان خود مهم شمرده تا آنان را به راه راست هدایت کند.

منابع

- ۱- قرآن کریم
- ۲- حجتی. سید محمد باقر. اسلام و تعلیم و تربیت. ۱۳۶۸ دفتر نشر فرهنگ اسلامی
- ۳- شکوهی یکتا. محسن تعلیم و تربیت اسلامی. ۱۳۶۷ شرکت چاپ و نشر ایران
- ۴- شریعتمداری. علی جامعه و تعلیم و تربیت. ۱۳۶۵ انتشارات امیر کبیر
- ۵- برکت غلامحسین. فرآیند تربیت و نقش آن در زندگی. ۱۳۸۴ انتشارات آهنجیده
- ۶- شرفی. محمد رضا. ماهنامه تربیت. ۱۳۷۲
- ۷- شریعتمداری. علی اصول و فلسفه تعلیم و تربیت. ۱۳۷۷ انتشارات امیر کبیر
- ۸- خدیوی زند. اصول و مبانی آموزش و پرورش